**کشتار آزادی...**

پدید آورنده : عدنان ابوعامر، عبدالله الاشعل، یونی بن مناحیم

|  |
| --- |
| **حمله به کشتی آزادی و شکست چندجانبه اشغالگران قدس**  تصاویری که توسط دوربین های موجود در داخل کشتی آزادی از حملة نظامیان صهیونیست ضبط و پخش شده است، ده ها پرسش را به دنبال دارد که باید فرماندهان ارتش و نیروی دریایی رژیم اشغال گر قدس، به آنها پاسخ دهند. بدون ذره ای تردید می توان گفت که مقامات مذکور، هیچ پاسخ قانع کننده ای برای این پرسش ها ندارند. برخی از این پرسش ها و نکات مورد توجه عبارتند از:  1. چرا ارتش عبری بعد از گذشت دوازده ساعت از انجام اقدام نظامی خود برضد کشتی آزادی و نیز پخش اخبار از سوی فلسطینیان و ترک ها دربارة این ماجرا و نیز همدردی افکار عمومی جهان با قربانیان، تصاویر مربوط به عملیات خویش را پخش کردند؟  2. چگونه می توان باور کرد که سربازان مسلح نیروی دریایی، تنها با کلت و سلاح کمری شان این تعداد از سرنشینان کشتی آزادی را به شهادت رسانده یا زخمی کرده اند؟ در این جا دو احتمال وجود دارد؛ یا این که سربازان از سلاح های پیشرفتة خودکار برخوردار بودند و یا آن که (به ادعای اشغال گران) سرنشینان کشتی توانستند سلاح های سبک را از نظامیان صهیونیست بگیرند و در هنگام شلیک به سوی آنها، دیگر حاضران در کشتی را به اشتباه هدف قرار دهند. حال این سوال پیش می آید که چطور تعدادی از فعالان صلح موفق شده اند که اسلحه را از دست سربازان زبدة نیروی دریایی رژیم صهیونیستی بگیرند؟  3. آیا فرماندهان ارتش عبری از ششصد فعال صلحی که در کشتی آزادی حضور داشتند و هدفشان برملا ساختن چهرة واقعی اشغال گران قدس بوده است، انتظار داشتند که با گل و پرچم های سفید آشتی از سربازانشان پذیرایی کنند؟ 4. هیچ کدام از افسران یا کارشناسان نظامی صهیونیست، بروز درگیری با سرنشینان کشتی را پیش بینی نکردند؛ حال آن که نمونة این درگیری ها را همواره در تظاهرات بعد از ظهر هر روز جمعه در روستاهای نعلین و بلعین کرانة باختری که به نشانة اعتراض به احداث دیوار حائل برگزار می شود و با حضور فعالان خارجی صلح نیز همراه است، شاهد هستیم؟  5. اعزام نیروهای غیر مناسب برای انجام چنین ماموریتی (حمله به کشتی آزادی)، کار اشتباهی بوده است. این کار در حیطه تخصص نیروهای مرزبان رژیم اشغال گر قدس می باشد؛ زیرا ماموریت کماندوهای نیروی دریای، منحصر به انجام عملیات هلی برد است و مهارتی در درگیری های خونین ـ مانند آن چه به ادعای صهیونیست ها در کشتی آزادی رخ داد ـ ندارند.  6. آیا عاقلانه است که تعداد اندکی نیرو برای کنترل بیش از ششصد مسافر کشتی آزادی اعزام گردند؛ حال آن که به ادعای اشغال گران این افراد (600 نفر) برای مقابله با نظامیان، آماده و حتی صهیونیست ها را به حالت گروگان گرفته بودند؟  7. تا پیش از تاریخ 31/5/2010 (روز حمله به کشتی آزادی) ارتش صهیونیستی در میان دیگر ارتش ها از لحاظ تکنولوژیکی و الکترونیکی، به عنوان برترین به شمار می رفت؛ ولی بعد از این تاریخ، اوضاع، تغییر کرد و این ارتش ثابت کرد که ضعیف ترین است؛ زیرا عملا در قطع جریان برق کشتی درماند و نتوانست مانع از انتقال تصاویر مستقیم ارسالی از آن شود.  **حمله به کشتی آزادی، با چه هدفی انجام گرفت؟**  این یک اصل کاملا روشن است که رژیم صهیونیستی به عنوان اشغال گر نوار غزه به شمار می رود؛ حتی اگر حضور مستمر نظامی در این منطقه نداشته باشد؛ زیرا بر اساس قوانین، اشغال گری به معنای کنترل و سیطرة عملی بر یک منطقه است و تل آویو با عقب کشیدن نیروهای خود و نیز تخلیة شهرک های صهیونیست نشین موجود در نوار غزه، در تابستان سال 2005م. به دوره اشغال گری خود در این منطقه خاتمه نبخشیده است؛ حتی اگر این امر (عقب نشینی) از سوی افراد به عنوان آزادسازی کامل این منطقه تفسیر شود.  پروژه رژیم اشغال گر قدس در بارة نوار غزه از همان ابتدا مشخص بود و حتی پس از آن که مدیریت کامل این منطقه در پی پیروزی جنبش مقاومت اسلامی فلسطین، حماس، در انتخابات سال 2006م. و ماجرای پاک سازی در سال 2007م. به دست این جنبش افتاد، این پروژه، هیچ تغییری نکرد.  در سال 2007م. اشغال گران، نوار غزه را به عنوان یک منطقة متخاصم اعلام کردند؛ تا از این طریق بتوانند برنامه های ویران گرایانة خود را در قالب محاصره، به اجرا بگذارند که حداقل هدف آن، نابودی حماس و حداکثر آن نیز نابودی ساکنان نوار غزه بود.  رژیم صهیونیستی محاصره ای را برضد نوار غزه آغاز کرد که ما نمونة آن را در سطح بین المللی نداشتیم. این محاصره، دریایی، زمینی و هوایی بود و با انسداد شریان های حیاتی جامعة فلسطین همراه شد. محاصرة تحمیلی اشغال گران قدس برضد نوار غزه، در قوانین بین المللی، نوعی نسل کشی به شمار می رود و اقدامی محکوم شده است.  محاصرة نوار غزه، نقض آشکار مفاد کنوانسیون چهارم ژنو است که بر اساس آن، دولت اشغال گر به خاطر اقداماتی که برضد ملت تحت اشغال انجام می دهد یا تعهداتی که در قبالش دارد، مسئول است و به دیگر سخن، این کنوانسیون رای را در این ماجرا به نفع شهروندان غزه ای صادر می کند. با بررسی قوانین مختلف بین المللی در خصوص حقوق بشر  می بینیم که محاصرة نوار غزه، اقدامی غیر انسانی است و شکستن سد محاصره نیز گامی در جهت مقابله با جنایتی می باشد که اشغال گران برضد ساکنان نوار غزه انجام می دهند و از سوی دیگر، اقدام برای متوقف کردن تلاش هایی که در جهت رفع محاصره انجام می گیرد، جنایتی است که در نوع خود بسیار سنگین تر از محاصرة نوار غزه می باشد؛ محاصره ای که در حکم فعالیت مستمر، جهت نابودی ملتی است که در یک منطقة کوچک جغرافیایی، گرفتار شده است و حتی این حق را ندارد که از سرنوشت شومی که اشغال گران برایش رقم زده اند، رهایی یابد.  جنگ میان رژیم صهیونیستی و کشتی آزادی، جنگ میان دو گروه مختلف است. گروه اول، ملت های جهان هستند که با اهدافی انسانی و برای نجات ساکنان غزه از سرنوشت شومی که اشغال گران برایشان نوشته اند، وارد عمل شده اند و گروه دوم، رژیم صهیونیستی و حامیان آن هستند که می خواهند حتی در مورد حیات یا مرگ ساکنان غزه نیز خود به تنهایی تصمیم گیری نمایند.  درست است که رژیم صهیونیستی با هدف به شکست کشاندن ماموریت کشتی آزادی، دست به اقدام نظامی برضد آن زد، ولی این کشتی حتی با این وجود، بخش مهمی از اهداف سفر خود را محقق ساخته و موفق شده که نگاه جهان را متوجه جنایتی نماید که رژیم اشغال گر قدس می خواهد آن را به فراموشی بسپارد.  این گونه به نظر می رسد که رژیم صهیونیستی، موفقیت کشتی آزادی در انجام ماموریتش را در آن می دید که دست اندرکاران آن، کمک ها را تقدیم اهالی غزه نمایند و با اهالی غزه دیدار کنند که این، خون تازه ای در شریان های حیاتی جامعة فلسطینی می باشد؛ شریان هایی که قاهره و تل آویو در جهت قطع کردن آن می کوشند؛ ولی این تصور، اشتباه بود و باعث شد که شکست دیگری در برنامه های این رژیم، رقم بخورد و مخالفان تل آویو، طرف پیروز این بازی باشند. اقدام نظامی صهیونیست ها برضد کشتی آزادی، باعث آب شدن طرحشان برای نابودی ملت فلسطین گردید و به حمایت بیشتر از مقاومت انجامید و مشروعیت گروه های مبارز را افزون ساخت. این اتفاق در حالی رخ داد که اشغال گران با حمایت طرف های بزدل عربی، به محاصرة رسانه ای و سیاسی مقاومت دست زده بودند.  همان طور که گفتیم، صهیونیست ها نمی خواستند به کشتی آزادی اجازه دهند که ماموریتش را به انجام برساند؛ ولی اشغال گران در انجام این هدف، از کارمایة خشونت استفاده کردند و دست به قتل افراد زدند. غاصبان قدس با این کار، می خواستند خسارت و زیان سنگینی را نیز به طرف ترک وارد آورند؛ زیرا بعد از سرسپردگی نظام های عربی به تل آویو، ترکیه به نوک پیکان مقابله با طرح محاصرة نوار غزه مبدل شد و حمله به کشتی آزادی، با هدف سر شاخ شدن با آنکارا صورت گرفت.  رژیم عبری با این اقدام خونین خود در صدد بود تا واقعیت جدیدی را به جامعة جهانی تحمیل کند و دست به کاری بزند که دیگر دولت ها، آن را به عنوان تنها طرفی بشناسند که حق سیطره و کنترل کامل بر نوار غزه و تعیین سرنوشت مردمانش را دارد. اشغال گران با اقدام زشت و زنندة خود برضد کشتی آزادی، در واقع، ترکیه را در معرض آزمایش قرار دادند؛ تا ببینند که حداکثر واکنش آنکارا در قبال این موضوع، چگونه خواهد بود و آیا طرف ترک حاضر است تا تمامی روابط خود را با تل آویو قطع کند؟  در این نکته نمی توان تردید کرد که غاصبان قدس از پیامدهای حرکت زشت و زنندة خویش برضد کشتی آزادی، با خبر بودند؛ ولی پیش بینی آنها این بود که می توان جلوی این پیامدها را ـ و گرچه بعد از یک دورة خاص ـ گرفت؛ یعنی همان اتفاقی که در جریان گزارش گولدستون روی داد و در آن ماجرا، صهیونیست ها با توسل به رسانه های دروغ پرداز خویش، از فشار ناشی از این گزارش نجات یافتند.  **تاثیر حمله به کشتی آزادی بر مناقشه اعراب و اسرائیل**  باید اعتراف کرد که اقدام جنایتکارانه رژیم صهیونیستی برضد کاروان آزادی، نتایج سیاسی، رسانه ای و اخلاقی فراوان، اما غیر قابل پیش بینی ای را با خود به دنبال داشت که از یکی از برجسته ترین آنها اهتمام و توجه جامعة بین الملل به مسئلة محاصره غزه بود و اردوغان نیز در سخنرانی روز اول ژوئن خود خطاب به ملت ترکیه بر این موضوع تاکید کرد و خاطرنشان ساخت که جامعة جهانی و ترکیه از حقوق فلسطینیان، دفاع می کنند و برای نجات مردم غزه از طرح های محاصره و نسل کشی رژیم صهیونیستی می کوشند.  حمله به کاروان آزادی، باعث افزایش حمایت ها از گزینه مقاومت و سقوط گزینة بی فایده و پوچ مذاکرات شد و بر محبوبیت حماس افزود؛ به طوری که تظاهرکنندگان در سراسر جهان پلاکاردهایی در دست داشتند که در آنها نوشته شده بود: «حماس، یک سازمان تروریستی نیست» و «همة ما حماس هستیم». این شعارها، خطرناک ترین چیزی بود که رژیم صهیونیستی نگران شیوع آنها بود. ماجرای مذکور همچنین باعث شد تا بار دیگر بحث جنایت های اشغال گران در غزه؛ زنده شود و پروندة جرایم صهیونیست ها در محور توجه قرار گیرد. ضمنا نباید فراموش کرد که ترکیه غاصبان قدس را به خاطر این اقدام ننگین، مورد محاکمه قرار خواهد داد و جامعة بین الملل و کشورهای عربی را نیز برای این کار، تشویق خواهد کرد.  حمله به کشتی آزادی، اشغال گران قدس را بر آن داشت تا آنان پیش از ادامة سیاست هایشان در فلسطین، خوب فکر کنند؛ به ویژه در سایة تعهدی که ترکیه در زمینة دفاع از ملت فلسطین دارد و شاید این ماجرا باعث نزدیک شدن هر چه بیشتر فلسطینیان با یکدیگر شود.  در زمینة گذرگاه رفح نیز باید گفت که مصر نمی تواند به بسته نگاه داشتن این نقطة مرزی ادامه دهد؛ زیرا این کار در نوع خود، حمایت از تداوم روند محاصره به شمار می رود و مقامات چینی و روسی نیز در اظهارات خود خواستار بازگشایی این گذرگاه شده، بسته نگاه داشتن آن را در حکم همکاری در تداوم محاصره دانسته بودند.  ماجرای یورش به کشتی آزادی، باعث فشارهای بیشتر به صهیونیست ها می شود و به طرح جدی موضوع ساز و کارها و روش های محاکمة جنایت کاران اسرائیلی منجر می شود؛ به ویژه اگر ترکیه بعد از بر ملا شدن چهرة واقعی صهیونیست ها و نیز در تنگنا قرار گرفتن واشنگتن و دیگر همپیمانان رژیم غاصب عبری، از نهادهای وابسته به سازمان ملل متحد، برای این کار (مجازات اشغال گران قدس) مدد جوید. ماجرای این حمله، بر مناقشة اعراب و اسرائیل، تاثیری ندارد و باعث نمی شود که طرف های عربی به روند مذاکرات غیر مستقیم با اشغال گران، خاتمه دهند. همچنین این امکان وجود دارد که در سایة بحران موجود در روابط تل آویو ـ آنکارا، ترک ها برای از سرگیری مذاکرات میان طرف عربی و رژیم صهیونیستی، اقدامی انجام ندهند.  **دلایل شکست اطلاعاتی رژیم صهیونیستی در حادثة ناوگان آزادی**  در این مسئله، هیچ شکی نیست که رژیم اشغال گر قدس در مسئلة مصادرة کشتی های بین المللی ناوگان دریایی غزه، شکست خورد. این در حالی بود که از مدت ها پیش برخی اطلاعات لازم دربارة این کاروان را در اختیار داشت. این شکست، مستلزم این است که دولت عبری، طرف ترک را که از یک کشور دوست و هم پیمان تل آویو به کشوری عضو محور شرارت و وابسته به اسلام افراطی (اصطلاح مورد استفاده رژیم صهیونیستی و آمریکا بر ضد جریان های مخالف خود) تبدیل شده است، از لحاظ امنیتی و اطلاعاتی، به دقت مورد ارزیابی قرار دهد.  مهم ترین شکست سازمان اطلاعات رژیم صهیونیستی، در این مسئله نمود پیدا می کند که فعالان خارجی صلح طلبی که در قالب کشتی مرمرة آبی ترکیه به سوی منطقة محاصره شدة باریکه غزه سفر می کردند، از فعالان صلح و اعضای سازمان های بشر دوستانه بودند که به اعتراف ایلی ماروم، فرماندة نیروی دریایی رژیم صهیونیستی و آوی بنیاهو، سخنگوی نظامی ارتش این رژیم، سطح مقاومت آنها در برابر اعضای گروهان 13 نیروی دریایی، چیزی فراتر از پرت کردن چندین دانه سیب زمینی و یا تخم مرغ گندیده به سوی نظامیان صهیونیستی نبوده است!  یکی از افسران مجرب و باسابقة سازمان اطلاعات رژیم صهیونیستی اظهار داشت که 95 درصد از اطلاعاتی که جزء اطلاعات فوق محرمانه طبقه بندی می شوند، در رسانه های مختلف، قابل دسترسی هستند و هر کسی که بخواهد از آنها اطلاع یابد، می تواند با پی گیری آنها، این اطلاعات را جمع آوری کرده، به عنوان مواد خام امنیتی، مورد استفاده قرار دهد! با اندکی دقت در حوادث رخ داده در کشتی ترکیه ای حامل کمک های بشر دوستانه برای ساکنان باریکة غزه، می توان به این مسئله پی برد که اظهارات افسر اطلاعاتی مذکور، تا چه حد صحت داشته است!  بنابراین، کافی بود که سازمان های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی، همان اطلاعات آشکار منتشر شده از سوی سازمان امداد رسانی ترکیه (IHH) در مرحلة قبل از آغاز سفر کاروان آزادی به سوی غزه را دنبال کنند؛ تا از اهداف ضد صهیونیستی این کاروان اطلاع پیدا کرده، حجم خشم و دشمنی فعالان صلح برضد نظامیان ارتش صهیونیستی را برآورد کنند.  **شواهد عینی شکست**  شکست و ناکامی سازمان اطلاعات رژیم صهیونیستی را می توان از نکات زیر به دست آورد:  1. بولنت ییلدیریم، رئیس سازمان امداد رسانی و ارسال کمک های بشر دوستانة ترکیه در تاریخ 7/4/2010م. طی یک کنفرانس مطبوعاتی آزاد اظهار داشت که ناوگان آزادی غزه به منزلة امتحانی برای رژیم صهیونیستی است و جلوگیری این رژیم از ورود این ناوگان به سواحل غزه، به منزلة اعلان جنگ برضد کشورهایی است که شهروندان و اتباع آنها در قالب کشتی های کاروان آزادی، به غزه سفر می کنند.  2. ییلدیریم در شب 30/5/2010م. همزمان با نزدیک شدن کشتی های ناوگان آزادی به سواحل غزه، در گفت وگو با شبکة یک تلویزیون رسمی ترکیه خاطر نشان کرد که نظامیان رژیم صهیونیستی در صورت حمله به عرشة کشتی مرمرة آبی، با مقاومت سخت فعالان خارجی صلح طلب، مواجه خواهند شد و ما به آنها نشان خواهیم داد که ورود به کشتی ترکیه ای، با توسل به زور، چه معنایی دارد و ما با تمام وجود، در مقابل آنها ایستادگی خواهیم کرد!  این مسئله، هیچ نیازی به فعالیت گستردة اطلاعاتی و مأمور کردن مزدوران مجرب و کار کشتة صهیونیستی ندارد؛ تا با نفوذ در کشتی، حوادث جاری در عرشة کشتی و تدابیر اتخاذ شده برای مقابله با نظامیان صهیونیستی را به سازمان های اطلاعاتی، مخابره کنند و نیازی هم به شنود مکالمات تلفنی افراد مشارکت کننده - در قالب کشتی مرمرة آبی - به منظور اطلاع از اهداف آنها نبود؛ زیرا مسئولان این کشتی به صراحت و در مقابل دیدگان جهانیان و به ویژه سازمان اطلاعات رژیم اشغال گر قدس، این مسئله را اعلام کرده بودند.  من مطمئن هستم که افسران سازمان اطلاعات دولت عبری، این اظهارات را مطالعه کرده، سخنرانی های مذکور را از طریق شبکه های تلویزیونی، مشاهده کرده بودند؛ اما سوالی که باعث شگفتی می شود، این است که چرا افراد یگان 13، آموزش های لازم، برای مقابله با این وضعیت را دریافت نکرده بودند؟  ما در این جا قصد نداریم به اطلاعات امنیتی ویژة سازمان اطلاعات رژیم صهیونیستی درباره سازمان IHH و ارتباط آن با جنبش مقاومت اسلامی حماس اشاره ای بکنیم؛ زیرا در این صورت، شکست اطلاعاتی طرف صهیونیستی، به وضوح برای همگان آشکار می شود!  شکست امنیتی دیگر، این بود که سازمان اطلاعات رژیم صهیونیستی در چنین وضعیتی، جزئیات مربوط به حادثه را در اختیار مراجع سیاسی قرار نداد و این مسئله، نشان گر این است که سازمان اطلاعات رژیم اشغال گر قدس، اطلاعات خود را روزمحور کرد؛ عنوان مثال، همان طور که اسامی سازمان هایی مانند حزب الله، حماس، سوریه و ایران را در فهرست مخالفان و گروه های به اصطلاح تروریستی قرار می دهد، اسامی سازمان های حامی صلح و ارسال کنندة کمک های بشر دوستانه را نیز در اختیار نهادهای امنیتی و اطلاعاتی قرار می دهد.  شاید لازم بود که سازمان اطلاعات رژیم صهیونیستی، تنها نظری اجمالی به اخبار موجود بر روی پایگاه های اینترنتی انداخته، تا از گرایش های این سازمان ترکیه ای مطلع شود و یا این که با مشاهدة برنامه های شبکه های تلویزیونی ترکیه ای، از سرنوشت نظامیان صهیونیستی بر روی آب های بین المللی، اطلاع حاصل کند.  مسئلة مهم تر از این رویارویی فاجعه بار برای دولت عبری، این است که نام ترکیه نیز در فهرست کشورهای محور شرارت و در کنار ایران و سوریه و حزب الله و حماس قرار گیرد و سازمان های اطلاعاتی صهیونیستی به آنکارا، به چشم یک کشور دشمن و مخالف خود نگاه کنند.  شاید در چنین مواردی، این مسئلة حائز اهمیت باشد که با توجه به سرعت وقوع حوادث سیاسی و امنیتی در منطقه، باید در فرصت کوتاهی، ضمن بررسی ابعاد بحران، اقدام به استخراج درس ها و عبرت های لازم از آن کرد و تا آن جایی که من می دانم، اسرائیل، قدرت تشکیل زیرساخت های اطلاعاتی گسترده در داخل خاک ترکیه را دارد. پس همان یک بار شکست اطلاعاتی برای ما کافی است و دیگر نیازی به شکست های دیگر و تحمل پیامدهای آن نیست.  منبع: مرکز اطلاع رسانی فلسطین |